



دانشگاه قم

عنوان:

**آثار و نقش قاعده‌ی «هدر نشدن خون انسان»
از منظر حقوق کیفری و بزه دیده شناسی**

استاد راهنما:

دکتر عادل ساریخانی

استاد مشاور:

دکتر ابوالفتح خالقی

نگارنده:

زمان رضازاده پاشا

تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و تشکر

با حمد و سپاس از خداوند علیم

از استاد گرانمایه جناب آقای دکتر عادل ساریخانی که با راهنمایی های مستمر، دقیق و مدبرانه‌ی خود، مرا در نگارش این تحقیق یاری نموده اند با صمیمانه ترین سپاس، قدردانی و تشکر می نمایم.

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر ابوالفتح خالقی که با مشاوره های بی شائبه‌ی خود مرا در نگارش این تحقیق یاری نموده اند با صمیمانه ترین سپاس، قدردانی و تشکر می نمایم.

تقدیم به:

پدر عزیز و مادر مرحومم:

به پاس آن همه صبوری و تحمل سختی‌ها در زندگی و به پاس اینکه در کشاکش دهر مویشان را
بخاطرم سپید کردند تا روسپید باشم.

همسر مهربانم:

که در دوران تحصیل همچو شمعی سوخت، بار مسائل زندگی را به دوش کشید تا من به
تحصیلاتم ادامه بدهم تا بتوانم بهتر به جامعه و خانواده ام خدمت بکنم.

فرزندان دلبندم:

که رنج حضورم را در عرصه‌های علم و دانش پذیرفتند.

و در آخر تقدیم به:

امام پنهان، مهدی موعود (عج) که همه وجودم لحظه شماری میکند تا بلکه لحظه ای او را ببیند، او
که تمام عالم را پر از عدل و داد می‌کند همانطور که از ظلم و جور آکنده شده است، او که علم
علمدار کربلا (ع) را بر می‌دارد و منتقم خون حسین (ع) است.

فهرست علائم اختصاری

قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا
قانون اساسی	ق.ا
قانون آیین دادرسی کیفری	ق.آ.د.ک
قانون مدنی	ق.م
قانون مسئولیت مدنی	ق.م.م
قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح	ق.م.ج.ن.م
اداره حقوقی قوه قضائیه	ا.ح.ق

چکیده:

قواعد فقه، کاربرد زیادی در فقه و حقوق داشته و مبنا و اساس بسیاری از احکام در فقه و موادی از قانون می‌باشند. از جمله‌ی این احکام که در حقوق جزا کاربرد فراوانی دارد قاعده‌ی «لایبطل دم امریء مسلم» می‌باشد. مطابق این قاعده خون انسان (بزه‌دیده)، در فرض عدم امکان قصاص و یا در صورتی که قاتل معین نباشد و یا وی و عاقله اش تمکن مالی نداشته باشند؛ به هدر نمی‌رود. از موارد کاربرد این قاعده می‌توان به مسائل لوث و قسامه، مجهول بودن قاتل، عدم انتساب قتل به شخص خاص، قتل ناشی از خطای قاضی در صدور حکم، و قتل کافر ذمی توسط مسلمان اشاره نمود. هر چند این قاعده ممکن است با برخی از اصول حقوق جزا نظیر اصل شخصی بودن مسوولیت، معارض باشد. لیکن با اصول حاکم بر بزه دیده شناسی نظیر «حمایت از بزه‌دیده» و «جبران خسارت او» موافق و منطبق می‌باشد. نتیجه‌ی این قاعده، حمایت از بزه دیده و پرداخت خسارتی است که وی و اقاربش در فرایند تکوین جرم متحمل شده است. از این رو اعمال این قاعده به بازسازی اجتماعی بزه‌دیده و برگشت پذیری وی و افراد تحت تکفل او کمک شایانی می‌نماید. بزه‌دیده، خواه مستقیم (شخصی که مستقیماً از ارتکاب جرم متضرر شده است) و خواه غیر مستقیم (متضرر شدگان غیر مستقیم از وقوع جرم)، مشمول قاعده‌ی مذکور می‌باشند. البته باید توجه داشت که پرداخت دیه و خسارت بزه‌دیده از طریق اعمال این قاعده، حسب مورد، بر عهده‌ی جانی، عاقله‌ی وی و در نهایت بیت المال می‌باشد.

کلید واژگان: قاعده، قاعده‌ی فقهی، بزه، بزه دیده، لایبطل، دم، مسلم، دیه، خسارت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه:
۱.....	الف) تبیین موضوع:
۲.....	ب) سوال های اصلی تحقیق:
۲.....	ج) سوال های فرعی تحقیق:
۲.....	د) فرضیه های تحقیق:
۳.....	ح) ضرورت انجام تحقیق:
۳.....	و) سابقه و پیشینه ی تحقیق:
۴.....	هـ) سامانه ی تدوین تحقیق:
۴.....	ی) روش تحقیق:
۵.....	بخش اول: کلیات
۷.....	فصل اول: واژه شناسی و مفاهیم
۸.....	مبحث اول: واژگان مندرج در قاعده (مفردات قاعده)
۸.....	گفتار اول: «لایبطل»
۹.....	بند اول: جمله ی «لایبطل...» خبری باشد.
۹.....	بند دوم: جمله ی «لایبطل...» انشایی باشد.
۹.....	بند سوم: جمله ی «لایبطل...» انشاء در وجه خبر باشد.
۱۰.....	گفتار دوم: «دم»
۱۲.....	گفتار سوم: «مسلم»
۱۶.....	مبحث دوم: واژگان مرتبط با قاعده
۱۷.....	گفتار اول: «هدر»
۱۸.....	گفتار دوم: «طل»

- ۱۹..... گفتار سوم: «حقن»
- ۲۰..... گفتار چهارم: «محقون الدم، مهدور الدم»
- ۲۲..... مبحث سوم: واژگان خارج از قاعده
- ۲۲..... گفتار اول- قاعده
- ۲۲..... بند اول - معنای لغوی قاعده:
- ۲۳..... بند دوم - معنای اصطلاحی قاعده:
- ۲۴..... گفتار دوم- قاعده‌ی فقهی و اقسام آن
- ۲۶..... اقسام قواعد فقهی
- ۲۷..... گفتار سوم- قاعده‌ی حقوقی
- ۲۹..... گفتار چهارم- قاعده (مسأله‌ی اصولی)
- ۲۹..... بند اول - مقایسه‌ی قاعده‌ی فقهی با قاعده‌ی اصولی
- ۳۰..... بند دوم- مقایسه‌ی قواعد فقهی با مسائل فقهی
- ۳۱..... بند سوم- تفاوت قاعده‌ی فقهی با ضابطه و نظریه‌ی فقهی
- ۳۲..... مبحث چهارم: اصطلاحات مرتبط با موضوع
- ۳۲..... گفتار اول: بزه، جرم (Crime)
- ۳۳..... گفتار دوم: بزه‌دیده (victim)
- ۳۵..... گفتار سوم: بزه‌کار یا مجرم (offender)
- ۳۶..... گفتار چهارم: بزه‌دیده‌شناسی (victimology)
- ۳۷..... گفتار پنجم: سیاست جنایی اسلام
- ۳۷..... گفتار ششم: حقوق کیفری (ماهوی) (criminal law)
- ۴۰..... گفتار هفتم: خسارت (Damage)
- ۴۱..... گفتار هشتم: دیه
- ۴۴..... گفتار نهم: بیت‌المال
- ۴۵..... گفتار دهم: دولت (State)

۴۷	فصل دوم: جبران خسارت بزه دیده
۴۸	مبحث اول: جبران خسارت بزه دیده در حقوق کیفری
۵۰	گفتار اول: پیشینه‌ی تاریخی جبران خسارت بزه دیده
۵۲	گفتار دوم: منابع جایگزین جبران خسارت
۵۳	بند اول: جبران خسارت توسط دولت و نهادهای عمومی
۵۶	بند دوم: جبران خسارت توسط جامعه‌ی مدنی (موسسات و سازمان‌های خیریه)
۵۶	بند سوم: جبران خسارت توسط بیمه (Insurance (assurance)
۵۹	گفتار سوم: انواع جبران خسارت بزه دیدگی در قوانین فرانسه
۶۲	مبحث دوم: مبانی و ادله‌ی فقهی جبران خسارت توسط دولت
۶۲	گفتار اول: قاعده‌ی «لایبطل دم امرئ مسلم»
۶۲	گفتار دوم: قاعده‌ی «لایبطل حق امرئ مسلم»
۶۴	گفتار سوم: قاعده‌ی «من له الغنم فعلیه الغرم»
	بخش دوم: تبیین فقهی، حقوقی قاعده‌ی «لایبطل» و بررسی آثار حقوقی و جرم
۶۷	شناختی آن
۶۹	فصل اول: تبیین فقهی، حقوقی قاعده‌ی «لایبطل»
۷۰	مبحث اول: مستندات قاعده
۷۰	بند اول: روایت عبدالله بن بکیر و عبدالله بن سنان
۷۰	بند دوم: روایت مسمع بن عبدالملک
۷۱	بند سوم: روایت ابی مریم
۷۱	بند چهارم: روایت محمد بن مسلم
۷۱	بند پنجم: روایت ابی بصیر
۷۲	بند ششم: روایت برید بن معاویه عجلی
۷۲	بند هفتم: صحیح‌ه‌ی ابی بصیر
۷۲	بند هشتم: روایت محمد بن حمران

- مبحث دوم: مفاد قاعده‌ی «لایبطل» و ضرورت و اهمیت آن ۷۵
- مبحث سوم: لایبطل حکمت حکم است و یا علت آن؟ ۸۰
- مبحث چهارم: نکات تکمیلی ۸۴
- گفتار اول: استثنائات قاعده ۸۴
- گفتار دوم: رابطه‌ی این قاعده با قاعده‌ی «اذا انتفی القصاص ثبت الدیه» ۸۵
- گفتار سوم: رابطه‌ی این قاعده با قاعده‌ی «لا یجنی الجانی اکثر من نفسه» ۸۶
- فصل دوم: بررسی آثار قاعده‌ی «لایبطل» در فقه و مواد قانونی با تکیه بر اصول**
- حاکم بر بزه‌دیده شناسی** ۸۸
- مبحث اول: بزه دیده و نقش او در روند عدالت کیفری ۸۹
- گفتار اول: موقعیت حقوقی بزه‌دیدگان ۸۹
- گفتار دوم: نیازهای بزه دیدگان و خدمات مربوط به آنها ۹۱
- گفتار سوم: نقش بزه دیده در روند عدالت کیفری ۹۲
- مبحث دوم: تکوین اصول حاکم بر بزه‌دیده شناسی ۹۵
- گفتار اول: اصل «حمایت از بزه دیده» ۹۷
- گفتار دوم: انواع حمایت عمومی از بزه‌دیدگان ۹۹
- بند اول: حمایت پزشکی ۹۹
- ۱-۱. پزشک عمومی ۹۹
- ۲-۱. مراکز بیمارستانی مرجع، واحدهای پزشکی - قضائی ۹۹
- بند دوم: حمایت روانی ۱۰۰
- بند سوم: حمایت اجتماعی ۱۰۰
- ۱-۳. انجمن‌های بزه‌دیدگان ۱۰۱
- ۲-۳. انجمن‌های امداد رسانی به بزه‌دیدگان ۱۰۱
- بند چهارم: حمایت اقتصادی ۱۰۱
- بند پنجم: حمایت حقوقی ۱۰۲

- گفتار سوم: مبانی حمایت از بزه دیدگان..... ۱۰۲
- بند اول: مبنای هنجاری (ارزشی)..... ۱۰۳
- بند دوم: قصور دولت‌ها در جلوگیری از تکوین پدیده‌ی مجرمانه..... ۱۰۴
- بند سوم: کاهش آمار بزهکاری..... ۱۰۴
- بند چهارم: مبنای رفاه اجتماعی..... ۱۰۵
- بند پنجم: مبنای اعتقادی و دینی..... ۱۰۵
- گفتار چهارم: اصل «تضمین حقوق بزه دیده در فرایند دادرسی»..... ۱۰۶
- مبحث سوم: بررسی مصادیق قاعده‌ی «لایبطل» در فقه و مواد مصرحه‌ی قانونی..... ۱۰۸
- گفتار اول: معلوم نبودن قاتل..... ۱۰۹
- بند اول: قانون..... ۱۰۹
- بند دوم: فقه..... ۱۱۱
- گفتار دوم: جنون قاتل..... ۱۱۲
- بند اول: قانون..... ۱۱۲
- بند دوم: فقه..... ۱۱۳
- گفتار سوم: جنون مقتول..... ۱۱۴
- بند اول: قانون..... ۱۱۴
- بند دوم: فقه..... ۱۱۵
- گفتار چهارم: تقصیر یا اشتباه قاضی (خطای قاضی در صدور حکم)..... ۱۱۶
- بند اول: قانون..... ۱۱۶
- بند دوم: فقه..... ۱۱۸
- بند سوم: علم قاضی..... ۱۱۹
- بند چهارم: مبنای مسئولیت دولت (بیت المال)..... ۱۲۱
- گفتار پنجم: اقرار به قتل عمدی شخصی توسط دو نفر، در صورتی که اولی از اقرارش
- برگردد:..... ۱۲۲

- بند اول : قانون ۱۲۲
- بند دوم : فقه ۱۲۲
- بند سوم : نقد و بررسی دو دیدگاه ۱۲۴
- گفتار ششم: لوث و قسامه ۱۲۵
- «قسامه» و تحقق اصول حاکم بر بزه دیده شناسی ۱۲۷
- گفتار هفتم: قتل کافر ذمی توسط مسلمان ۱۲۸
- گفتار هشتم: فوت قاتل (از بین رفتن محل قصاص) ۱۳۰
- بند اول : قانون ۱۳۰
- بند دوم : فقه ۱۳۲
- گفتار نهم: فرار قاتل (تبدیل قصاص به دیه به واسطه‌ی فرار و فوت قاتل) ۱۳۴
- بند اول: بررسی و تحلیل اجمالی برخی از مواد قانون مجازات اسلامی ۱۳۴
- بند دوم: بررسی دو روایت ابن ابی نصر و ابن ابی بصیر ۱۳۶
- بند سوم: اعسار محکوم علیه موجبی برای پرداخت دیه از بیت المال نیست ۱۳۸
- بند چهارم: اخذ دیه از محل تأمین ۱۳۸
- بند پنجم: منظور از خویشان یا بستگان چه کسانی هستند؟ ۱۳۸
- بند ششم: جنایات مادون نفس ۱۴۰
- بند هفتم: فراری دادن قاتل ۱۴۱
- گفتار دهم: نداشتن عاقله یا عدم تمکن عاقله در پرداخت دیه ۱۴۳
- بند اول : فقه ۱۴۵
- بند دوم : قانون ۱۴۶
- گفتار یازدهم: تیراندازی مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی ۱۴۸
- گفتار دوازدهم: بررسی قاعده از منظر رویه ۱۵۲
- بند اول: (تاریخ رسیدگی: ۷۵/۶/۳ - شماره دادنامه: ۱۳۸۷ - مرجع رسیدگی: شعبه ۳۳
- دیوان عالی کشور) ۱۵۲

بند دوم: تاریخ رسیدگی: ۷۰/۱۰/۳۰ - شماره دادنامه: ۳۰۰ - مرجع رسیدگی: شعبه ۲۷	
دیوان عالی کشور).....	۱۵۳
بند سوم: نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۸۹۱ مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۸. ح. ق.....	۱۵۴
نتیجه‌گیری و پیشنهاد.....	۱۵۵
ضمایم.....	۱۵۸
ضمیمه ۱: «دستور العمل و ضوابط اجرائی کمک و حمایت از بزهدیدگان».....	۱۵۹
ضمیمه ۲: حمایت از بزهدیدگان در اسناد و کتوانسیون‌های بین‌المللی.....	۱۶۷
منابع و مآخذ.....	۱۷۳

مقدمه:

الف) تبیین موضوع:

این قاعده برای حمایت از حق حیات انسان پیش بینی شده است و حکومت اسلامی نیز باید از آن حمایت کند معنای قاعده بیانگر اهمیت دماء از جهت حکم وضعی است و به بیان دیگر در برخی از فروع نظیر قتلی که در آن قاتل مشخص نباشد دیه ساقط نمی شود. بنابراین مراد از این قاعده، آن است که اگر مسلمان محقون الدم کشته شود و قاتل او قصاص نشود، در هر صورت خون وی به هدر نمی رود و باید دیه نفس در ازای آن پرداخت شود؛ علت عدم اجرای قصاص نیز دو سویه است یا ممکن است قتل غیر عمدی بوده و یا اگر هم عمدی بوده به علت موانع ثبوتی و یا اجرایی نوبت به اجرای حکم قصاص نرسیده است ضرورت و اهمیت این قاعده به قدری است که بر اطلاق یا عموم تمام قواعد و اصول دیگر حاکم است. هرچند بسیاری از فقها محدوده و کاربرد این قاعده را بسیار مختصر و فقط مربوط به جایی می دانند که قتل منتسب به شخص خاصی نیست و یا قاتل قابل شناسایی نمی باشد و دیه باید از بیت المال پرداخت شود.

با توجه به توضیحات فوق در می یابیم که قاعده مزبور در سلسله علل مشروعیت کارکرد گرای دولت نقش مهم ایفا می کند و نقض این قاعده (به هر دلیل) تردید در مشروعیت دولت را ایجاد می کند چون حمایت از حق حیات فرد از وظایف اصلی حکومت اسلامی است.

از نظر برخی از اصول حاکم بر حقوق جزای اسلام مانند اصل شخصی بودن مسوولیت ممکن است این قاعده قابل توجه نباشد، لیکن به نظر می رسد که با مبانی بزه دیده شناسی که حقوق اسلام مبدع آن است می توان این قاعده را توجه کرد.

با تمسک به این قاعده روشن می شود که جبران خسارت بزه دیده به دلیل سلب حیات و اقدام علیه تمامیت جسمانی او ضروری است. با تأکید این قاعده بر تأمین ضرر و زیان بزه دیده و پرداخت دیه در قتل به طریق اولی (تنقیح مناط) سیاست جنایی اسلام در سایر جرایم نیز مبتنی بر

حمایت از مجنی علیه می باشد. بنابر این، پس از سلب حیات بزه دیده و با دریافت خونبها توسط اقارب وی تا حدی این خلا اقتصادی ناشی از فوت مجنی علیه جبران می گردد.

از موارد کاربرد این قاعده می توان به مسائل لوث و قسامه، مجهول بودن قاتل، عدم امکان انتساب قتل به شخص خاص، قتل ناشی از خطای قاضی در صدور حکم و قتل کافر ذمی توسط مسلمان اشاره کرد.

در مورد میزان انطباق قاعده با مقررات فعلی باید گفت قانونگذار در پذیرش کلیت این قاعده و موارد کاربرد آن متحیر بوده است و در هیچ ماده ای به صراحت به این قاعده مهم اشاره نکرده است؛ لیکن در موارد ۲۶۰، ۳۱۲ و ۳۱۳ ق.م.ا. به پرداخت دیه (قتل عمد، شبه عمد و خطای محض) از بیت المال اشاره نموده است.

(ب) سوال های اصلی تحقیق:

- ۱- آثار حقوقی و جرم شناختی قاعده‌ی لایبطل چیست؟
- ۲- شمول قلمرو قاعده تا چه حدی است؟ آیا حکم این قاعده به جنایات مادون نفس نیز تسری می یابد؟

(ج) سوال های فرعی تحقیق:

- ۱- این قاعده بیشتر متوجه و معطوف به بزه دیده است یا بزهکار؟
- ۲- اجرای این قاعده چه آثار و پیامدهایی دارد؟

(د) فرضیه های تحقیق:

قاعده‌ی «لایبطل دم امری مسلم» از نمونه‌ی قواعد حمایت از بزه دیده و خویشاوندان نزدیک وی است و جبران خسارت بزه دیده و اقارب وی را به دلیل سلب حیات و اقدام علیه تمامیت جسمانی او ضروری می کند. به بیان دیگر قاعده‌ی مزبور، بر تأمین ضرر و زیان بزه دیده و پرداخت دیه در بالاترین مصداق بزه؛ یعنی قتل تأکید کرده است همچنین با توجه به اطلاق روایات و لفظ «دم» ضمان بیت المال در جنایات مادون نفس نیز توسعه پیدا می کند؛ البته اگر

معتقد به خصوصیت لفظ «دم» نباشیم و این قاعده را در موارد غیر دم حاکم بدانیم؛ چون در صورت اعتقاد به خصوصیت این لفظ، ضمان بیت المال در جنایات مادون نفس منتفی خواهد بود. قاعده‌ی مورد بحث اختصاص به جنایات عمدی ندارد بلکه در جنایات غیر عمدی نیز کاربرد دارد. بنابراین اگر در جنایات شبه عمد و خطای محض، به هر دلیل اخذ دیه از مسئول پرداخت آن ممکن نباشد به مقتضای این قاعده و حسب موارد و شرایط، دیه از جانی، اقارب و در نهایت از بیت المال اخذ می شود.

ح) ضرورت انجام تحقیق :

هرچند پذیرش قاعده عدم اهدار خون مسلمان در فقه و قواعد فقه سابقه ای دیرینه دارد دلیل آن نیز مهم ترین حق انسان، یعنی حق حیات می باشد ولی از نظر اصول حاکم بر حقوق جزا ممکن است قابل توجیه نباشد لیکن بحث و بررسی و منطبق نمودن آن با مبانی بزه دیده شناسی و شناسایی موارد کاربرد آن به صورت دقیق، ضروری به نظر می رسد. علاوه بر این تطبیق این قاعده با مراحل مختلف حمایت از مجنی علیه، بر حسب موارد و نوع جنایات امری لازم می باشد. از طرف دیگر شناخت مصادیق قابل انطباق با این قاعده در مواد قانونی و واریسی آن امری مهم باشد.

و) سابقه و پیشینه‌ی تحقیق :

از آنجائی که قاعده‌ی لایبطل از قواعد مهم و کاربردی می باشد لذا برخی از فقها در ابواب مختلف کتب فقهی آن را مورد بحث قرار داده اند خصوصاً این که قاعده‌ی مزبور در باب دیات نقش کلیدی ایفاء می کند و از این حیث مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است و نویسندگان کتب حقوقی در بخش قواعد جزایی آن را مورد بررسی (هر چند به صورت مختصر) قرار داده اند. به عنوان مثال می توان از کتب «لمعه»، «جواهر الکلام» در فقه واز کتب «جرائم علیه اشخاص»، «جبران خسارت بزه‌دیده» و «قواعد فقه جزایی» در حقوق در این زمینه نام برد.

از طرف دیگر قاعده‌ی مزبور بر قواعد و اصول دیگر حاکم است و از این جهت در موضوعات مرتبط با این قواعد و تطبیق آنها با مبانی حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

هـ) سامانه‌ی تدوین تحقیق :

ساختار تحقیق، در قالب عناوینی به ترتیب بخش، فصل، مبحث، گفتار، بند و . . . ترسیم شده است. تمامی مطالب در دو بخش ارائه شده و هر بخش از دو فصل تشکیل شده است. مطالب بخش اول در خصوص کلیات بحث ارائه شده و در فصل اول از بخش اول به واژه شناسی و مفاهیم پرداخته شده است؛ در فصل دوم از بخش اول، جبران خسارت بزه‌دیده مورد بررسی قرار گرفته است.

مطالب بخش دوم در زمینه‌ی آثار حقوقی و جرم شناختی قاعده‌ی «لایبطل» می باشد؛ در فصل اول از بخش دوم این تحقیق به تبیین فقهی، حقوقی قاعده پرداخته شد؛ فصل آخر این تحقیق در مورد آثار فقهی، حقوقی قاعده و مصادیق آن البته با تکیه بر اصول حاکم بر بزه دیده شناسی می باشد.

ی) روش تحقیق:

در تحقیق حاضر از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. مطالب این تحقیق با مراجعه به کتب فقهی، روایی و حقوقی مرجع و مقالات و جزوات پیرامون موضوع فراهم شده است. البته در موارد لزوم از قوانین مرتبط جزایی و منابع بزه‌دیده شناسی نیز استفاده شده است.

بخش اول

کلیات

در این بخش مطالب به دو فصل تقسیم می شوند. در فصل اول به واژه شناسی و مفاهیم اصطلاحات مرتبط با بحث پرداخته می شود و در فصل دوم، «جبران خسارت بزه دیده» به عنوان اصلی از اصول حاکم بر بزه دیده شناسی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. چون قاعده‌ی مورد تحقیق خود یکی از مبانی اصلی و اساسی جبران خسارت بزه دیده می باشد.

فصل اول

واژه‌شناسی و مفاهیم